

نام و نام خانوادگی:	دکوله گلورانژی برجی	پایان فوبت اول
نام درس: فارسی ۲	علوی	تاریخ برگزاری آزمون: ۹۹/۱۰/۴
پایه تحصیلی: یازدهم	مدرسۀ علمی آموزشی علوی	مدت زمان پاسخ‌گویی: ۹۰ دقیقه
سوالات طاریسی پایه یازدهم		ردیف
(الف) تمثیل: ترویجمندی و توانگر ب) مستبه: استیاه‌گذنده، دجل انسیاه (قلمرو زبانی - لغت) (متوسط)	۱	
(الف) خشنده «مشهور» ب) غُنا «بی‌نیازی» ج) ذوال «جرم و بوسط» (قلمرو زبانی - لغت) (آسان)	۲	
(الف) غرقه ← خوابست ب) آمات ← آماس ج) جزآب ← جذاب (قلمرو زبانی - املاء) (متوسط)	۳	
(الف) صحیح ب) خورد (غلط) خُرد (صحیح) ج) قلت (غلط) غلت (صحیح) د) صحیح (قلمرو زبانی - نقش‌های دستوری) (متوسط)	۴	
(الف) سد ← مسم ب) حلب ← م - مضاف‌الیه / تحصل ← مسم ج) قدر کافی ← مسم (قلمرو زبانی - نقش‌های بیعی) (دشوار)	۵	
<u>برآکندگی شب</u> هسته وابسته پسین مضاف‌الیه <u>آن</u> <u>زلف</u> <u>مشکبل</u> <u>معبد</u> صفت اشاره هسته صفت بیانی صفت بیانی (قلمرو زبانی - هسته و وابسته) (متوسط)	۶	
(الف) خود ← نقش تبعی «بدل» ب) تباه ← نقش تبعی معطوف به سبب و او عطف (قلمرو زبانی - نقش‌های بیعی) (دشوار)	۷	
(الف) ابلیس را جون در دل آدم راه ندادند ← جمله پیرو «وابسته» مردود همه جهان شد ← جمله هسته «بایه» ب) خجل از ننگ پضاعت هستم ← جمله هسته که سزاوار تو نیست ← جمله پیرو «وابسته» (قلمرو زبانی - انواع جمله) (دشوار)	۸	
(الف) آفتاب حسن ← استعارة از مشتوق از ابر ببرون آمدن ← کنایه از خود را آشکار کردن ب) در ← استعاره از مشکل در و سر ← جناس ناهمسان گشاده شدن در ← کنایه از حل شدن مشکل (قلمرو ادبی - آرایه‌های ادبی) (متوسط)	۹	
(الف) بنای زندگی بر آب ← کنایه از ناباداری دنیا ب) امواج دریا مانند سیماب است ← تشییه خيال در خواب دیدن ← فکر و خیال چدید کردن (آرایه‌های ادبی - قلمرو ادبی) (متوسط)	۱۰	
(الف) سرنشته عشق (اضفۀ تشییه) عشق مانند جاقوی نوک تیز، رگ روح را می‌شکافد. رگ روح (اضفۀ استعلوی) روح مانند انسانی است که رگ دارد. مشبه‌به حذف شده و جزئی از آن در ایندای مشبه آمده است. (قلمرو ادبی - آرایه‌های ادبی) (دشوار)	۱۱	

نام و نام خانوادگی:	رکوردهای راننده‌ی برقی	پایان فوبت اول
نام درس: فارسی ۲	علوی	تاریخ برگزاری آزمون: ۹۹/۱۰/۴
پایه تحصیلی: دیازدهم	مدرسۀ علمی آموزشی علوی	مدت زمان پاسخ‌گویی: ۹۰ دقیقه
سؤالات طاری فارسی پایه پازدهم		ردیف
(الف) محمدعلی اسلامی ندوشن (ج) نجم الدین رازی (قلمرو ادبی - تاریخ ادبیات) (متوسط)	(ب) محمدبن منور (د) اصغر ریاض جزی	۱۲
(الف) گفتند بافت می‌نشود، جسته‌ایم ما / گفت آن که بافت می‌نشود، آنم آرزوست (ب) گرد فراموش ره و رفیل خوبیش / مانند غرامت زده از کل خوبیش (قلمرو ادبی - شعر حافظی) (متوسط)	(الف) راه حرف اضافه در مارا آقی رسد یعنی «به» ما آقی رسد را فکتاً اضافه در جمله حق تعالی را با این قالب سروکار خواهد بود (ب) دل انسان (ج) رانده شدن سیستان از درگاه خدا و حسادت او به انسان (د) جون در دل انسان راه ندادند. دلی که گنجینه معرفت الهی بود. (درگ مطلب) (متوسط)	۱۳
(الف) یک بیو که در کوه کلام ساکن است به تو ابراز ارادت کرد و سلام رساند (ب) پس اهل کل و نلاش نیست (ج) انسان واقعی کسی است که در میان مردم به کسب روزی مشغول باشد. (د) لحظه‌ای از باد خدا غافل نشود. (درگ مطلب) (متوسط)	(الف) «را» حرف اضافه در مارا آقی رسد یعنی «به» ما آقی رسد را فکتاً اضافه در جمله حق تعالی را با این قالب سروکار خواهد بود (ب) دل انسان (ج) رانده شدن سیستان از درگاه خدا و حسادت او به انسان (د) جون در دل انسان راه ندادند. دلی که گنجینه معرفت الهی بود. (درگ مطلب) (متوسط)	۱۴
(الف) یک بیو که در کوه کلام ساکن است به تو ابراز ارادت کرد و سلام رساند (ب) پس اهل کل و نلاش نیست (ج) انسان واقعی کسی است که در میان مردم به کسب روزی مشغول باشد. (د) لحظه‌ای از باد خدا غافل نشود. (درگ مطلب) (متوسط)	(الف) گفت: پسرم اینجا، جای بازی و تفریح نیست، بلکه عجله کن که اینجا باند جاره کار خود را بینی (ب) به جزی که نابیداری است دل نده که خلیفه‌های زیادی در بغداد آمدند و رفتند اما رود دجله همچنان در جریان است. (ج) این مغلول را به بدترین و سخت‌ترین صورت مجازات می‌کنم و یا شمشیر آن‌ها را نبود می‌کنم. (د) جوری نلاش کن که مانند شیر از تو جزی برای بقیه یاقی بعائد نه اینکه به نه مانده دیگران مانند رویاه مثل محتاج باشی و خودت را سیر کنی. (قلمرو فکری - درگ مطلب) (متوسط)	۱۵
انسان بنهان کردن.	(الف) همچنین هر لحظه از گنجینه‌های عالم نهانی، عشق و محبت را در سرش انسان قرار می‌دادند نا هرجه از جیزه‌های بالرزاش گنجینه‌های بنهان عالم بود همه در وجود (ب) روز بیچشنبه امیر سعید نوب کرد و جناب نوب و سردر دی به او وارد شد که نتوانست چند روز به کسی اجازه ملاقات دهد و از همه مردم بنهان شد. (قلمرو فکری - درگ مطلب) (متوسط)	۱۶
انسان بنهان کردن.	(الف) همچنین هر لحظه از گنجینه‌های عالم نهانی، عشق و محبت را در سرش انسان قرار می‌دادند نا هرجه از جیزه‌های بالرزاش گنجینه‌های بنهان عالم بود همه در وجود (ب) روز بیچشنبه امیر سعید نوب کرد و جناب نوب و سردر دی به او وارد شد که نتوانست چند روز به کسی اجازه ملاقات دهد و از همه مردم بنهان شد. (قلمرو فکری - درگ مطلب) (متوسط)	۱۷